

## تاریخ کتابخانه‌های وقفی در جهان اسلام و ایران

دکتر نادر کریمیان سردشتی

استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

### چکیده

مساجد و کتابخانه‌های وقفی وابسته به آن در طول دوران تاریخ اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار بوده‌اند؛ زیرا هدف از ایجاد مساجد و افزایش خدمات متناسب با آنها این بوده که شعایر مذهبی در آنها برگزار و فرهنگ قرآنی و علوم اسلامی ترویج و تعلیم گردد؛ خلفا، حکام، وزرا، علما و ثروتمندان نیز برای تحقق این هدف کوشیده‌اند. طبیعی بود که امر آموزش در اسلام، نخست از جلسات درسی که در مساجد تشکیل می‌شد، آغاز شود. وجود کتاب در مساجد با فزونی قرآن‌هایی که در آنجا قرار داده می‌شد، ارتباط داشت تا افرادی که به مساجد رفت و آمد می‌کنند، آنها را قرائت کنند؛ زیرا قرائت قرآن کریم جزو عبادات شمرده می‌شود. پس قدیمی‌ترین کتبی که بر مساجد وقف شدند، قرآن‌ها بوده‌اند. در این مقاله، ضمن گزارش تاریخچه وقف کتاب و کتابخانه بر مساجد، به معرفی کتابخانه‌های وقفی ایران نیز اهتمام شده است تا شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی را در سرزمین ایران تبیین و گزارش نماییم.

**کلید واژه‌ها:** مساجد، کتابخانه‌ها، وقف کتاب، ایران، جهان اسلام.

کتابخانه در حوزه مساجد اسلامی به ویژه کتابخانه‌های وقفی از پیشینه کهن و از ارج و منزلت والایی برخوردار است. تاریخ تمدن اسلامی در طی قرون گذشته بیان‌گر این حقیقت است که کتابخانه به عنوان یک نهاد فرهنگی-آموزشی، در کنار «مسجد» از ارکان اساسی مسجد محسوب می‌شده است. در واقع، ایجاد یک مرکز فرهنگی تحت عنوان «کتابخانه» در مسجد همچون سایر مراکز علمی در جامعه اسلامی مانند مدرسه، دانشگاه [= جامعه]، دارالعلم، بیت الحکمه و خانقاه نشانه این بود که هر کس وارد به دین اسلام شود و بخواهد مسلمان راستین گردد، بایسته است با دانسته ورود کند. بر این اساس، تأسیس کتابخانه در مساجد به سبب ارزش و قداست دینی مسجد همواره در گوشه و کنار مملکت اسلامی مورد توجه خلفا، حکام، امرا و دولت‌های فرهنگ‌دوست و مردم مسلمان بوده است. از بدو پیدایش مساجد و جوامع به ویژه در مراکز اصلی حکومت‌ها، کتابخانه‌ای نیز برای آنها ایجاد می‌شد و از این رو، کمتر مسجدی در جهان و ایران بود که کتابخانه نداشته باشد و البته بیشتر کتاب‌هایی که منجر به تشکیل کتابخانه می‌شد، «وقفی» بودند. سنت وقف کتب بر کتابخانه‌های مساجد و نیز سایر مراکز آموزشی و علمی جهان اسلام، از صدر اسلام رایج و شایع بود و یکی از علل حفظ و نگهداری کتاب‌های نفیس به خصوص مصحف‌ها و قرآن‌های نفیس همین پدیده «وقف» بوده و می‌باشد.

دین مبین اسلام خود تمدن‌ساز و فرهنگ‌پرور است و همان‌طور که تاریخ پر افتخار اسلام و ملل اسلامی نشان می‌دهد، کتابخانه‌های مساجد، مدارس، خانقاه‌ها و بیمارستان‌ها به عنوان بارزترین و برجسته‌ترین عنصر معرفی علوم اسلامی از روز نخست نمایان‌گر همه وجوه فرهنگی و اجتماعی مسلمین بوده‌اند. لذا تحقیق و پژوهش در خصوص این نوع کتابخانه‌ها به ویژه براساس نقش «وقف» در پدید آوردن این دارالکتب از ضروریات می‌باشد؛ افزون بر این، جز چند اثر محدود تاکنون پژوهش گسترده در عمیق نیز در این باب انجام نگرفته و البته راجع به کتابخانه‌های وقفی ایران به مراتب کنکاش و پژوهش نیز اندک بوده است. از سویی دیگر، یکی از مهمترین عوامل ایجاد کتابخانه‌های مساجد در سایر مراکز علمی و آموزشی «وقف» می‌باشد که کمتر به آن پرداخته شده است، بنابراین از اهداف اصلی این مقاله جبران این نقیصه بزرگ در خصوص تبیین و گزارش تاریخ کتابخانه‌های وقفی در جهان اسلام و ایران است و شکوفایی علم را با معرفی کتابخانه‌های وقفی و نقش مسلمانان در گسترش این نوع کتابخانه‌ها بیان کنیم.

پرسش اصلی این مقاله چنین است: از آنجا که مهمترین مسأله این مقاله، «نقش وقف» در ایجاد کتابخانه‌ها است، براساس متون تاریخی-جغرافی و اسناد و مدارک، این سنت حسنه اسلامی چه تأثیراتی در تشکیل و پایداری کتاب و کتابخانه داشته است؟

این پژوهش متکی به روش کتابخانه‌ای بوده که از لابلای بررسی متون تاریخی و جغرافیایی و سفرنامه‌ها و اسناد تاریخی به کنکاش، شناسایی و شناساندن کتابخانه‌های وقفی در جهان اسلام و ایران پرداخته شده و حتی المقدور نقش وقف و وقفیات کتب و کتابخانه برجسته شده است.

در راستای کتابخانه‌های وقفی تاکنون جز یک اثر علمی با عنوان وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی (عنوان اصلی: الوقف و بنیة المكتبة العربیة)، تألیف یحیی محمود ساعتی اثر قابل توجهی تدوین و تألیف نشده و به طور مستقل، هیچ‌گاه به این مهم پرداخته نشده است. البته در «وقف‌نامه‌ها» به موضوع وقف کتب و کتابخانه پرداخته شده که البته این منابع نیز نیاز به پژوهش و بررسی و معرفی دارند. بنابراین موضوع نیازمند پژوهشی مستقل می‌باشد و البته این نوع جستارها تنها می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای تدوین یک اثر مستقل را فراهم آورند. البته نباید در این راستا، کتاب‌های عمومی در حوزه تاریخ کتابخانه‌های مساجد (همچون آثار یوسف العث و محمد مکی سباعی) و نیز تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام (همچون آثار سعید دیوه‌جی) را نادیده گرفت که در آنها به کتابخانه‌های وقفی (به صورت موردی) پرداخته شده است.

### پیشینه کتابخانه‌های وقفی در جهان اسلام

یکی از محققان اظهار داشته است که بیشتر کتابخانه‌های مساجد - صرف نظر از حجم و مکان آنها - کتابخانه‌های قرآنی بودند، زیرا همزمان با بنای مساجد نسخه‌هایی از قرآن در آن نهاده می‌شد و اهدا و وقف قرآن‌ها بر آنها از آداب و رسوم اسلامی ریشه‌دار به شمار می‌آمد (مکی سباعی، ۱۳۷۳ش: ۲۵۱). در خصوص وقف قرآن‌ها، قدیمی‌ترین مطلبی که نقل شده این است که عبدالعزیز بن مروان ناراحت شد از این که حجاج بن یوسف ثقفی، قرآنی را به مصر فرستاد و دستور داد قرآن دیگری برای او استنساخ کنند تا آن را در منزلش داشته باشد. او هر صبح جمعه قرآن را از منزل خود به مسجد جامع عمرو بن عاص می‌برد و در آنجا به تلاوت آن می‌پرداخت و سپس آن را به جای خود برمی‌گرداند. چون عبدالعزیز وفات یافت، پسرش ابوبکر آن را به هزار دینار فروخت و سپس اسماء، دختر ابوبکر [پسر عبدالعزیز بن مروان] پس از درگذشت پدرش آن را به هفتصد دینار خرید تا مردم را از استفاده از آن بهره‌مند سازد. او به این قرآن شهرت داد؛ به طوری که این قرآن به او منسوب و به «قرآن اسماء» معروف گردید.

در پی وفات اسماء، برادرش [برادر ابوبکر پدر اسماء] حکم بن عبدالعزیز بن مروان آن را به پانصد درهم از ورثه او خرید، در سال ۱۱۸ق، قاضی توبه بن نمر حضرمی به وی پیشنهاد کرد که آن را در اختیار مسجد قرار دهد. او با این پیشنهاد موافقت نمود و برای کسی که آن قرآن را در مسجد تلاوت کند، هر ماه سه دینار مزد تعیین کرد (مقریزی، ۱۴۲۴ق: ۲۴۵-۲۵۵). این سال را می‌توان نقطه شروع «تاریخ وقف قرآن بر مسجد» به صورت دائمی به شمار آورد. در سال ۲۹۸ق شخصی به نام عبدالمنعم بن احمد سی جزء کامل از قرآن را بر جامع اموی دمشق وقف کرد که یک جزء آن هنوز باقی مانده و چنان که یوسف العث می‌نویسد، هم اکنون در موزه ملی سوریه نگهداری می‌شود.

در سال ۳۴۷ق یک مرد عراقی، قرآنی را بر مسجد جامع عمرو بن عاص وقف کرد که گفته شد قرآن عثمان بن عفان بوده و آثاری از خون در آن مشاهده شده است و گفته شده است که از گنجینه‌های کتب المقتدر بالله، خلیفه عباسی به دست آمده است. لذا امام جماعت مسجد، یک روز آن را تلاوت می‌کرد و روز دیگر قرآن اسماء را که بیش از این به آن اشاره شد. مقریزی بر این قرآن اطلاع یافته و متن زیر را بر روی جلد آن مشاهده کرده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين، این قرآن را که همه آیات کتاب خداوند، جَلَّ ثَنَاهُ و تَقَدَّسَتْ اسْمَائُهُ در آن گردآوری شده، مبارک مسعود فرزند سعد هیتی به مسجد آورد تا برای همیشه و تا زمانی که اوراق او باقی است از میان نرفته، وقف باشد بر جماعت مسلمین، آنان که تلاوت کننده قرآنند و با قرائت آن به خداوند جل ذکره تقرب جسته و تعلیم دهندۀ آنند. به امید آن که خدای عزوجل به واقف پاداش خیر دهد و او را عفو نماید و آن را ذخیره روز بیوایی و نیازمندی وقف او قرار دهد. خداوند به لطف خویش واقف را به آرزویش نایل گرداند و او را از ثواب تلاوت کسانی که این قرآن را می‌خوانند، بهره‌مند سازد.»

دنباله کلام واقف از پشت جلد قرآن محو شده و احتمال می‌رود چنین باشد: «او نگاهی به قرآن انداخت و تصمیم گرفت آن را به مسجد جامع شهر فسطاط مصر که از مساجد قدیمی مسلمانان بود، بسپارد تا مانند سایر قرآن‌های موجود در آن محفوظ بماند. رحمت خدا بر کسی باد که در نگهداری آن بکوشد و آن را بخواند و مورد توجه قرار دهد. روز سه شنبه اول ماه ذی‌قعدة سال ۳۴۷ق و صلی الله علی محمد سید المرسلین و علی آله و سلم تسلیماً کثیراً و حسبنا الله و نعم الوکیل.» (همان، ۲۵۵)

وقف قرآن‌ها بر مساجد تا آنجا رواج یافته بود که در برخی از آنها، مانند مسجد عمرو بن عاص صدها جلد قرآن نگهداری می‌شد. گفته‌اند الحاکم بامرالله، خلیفه فاطمی، ۱۲۹۸ نسخه از قرآن‌های کامل و چهارپاره‌ای را از قصر خود در اختیار این مسجد نهاد و مردم از تلاوت آنها بهره‌مند شدند. در میان آنها، قرآن‌هایی وجود داشت که همه آن با آب طلا نوشته شده بود (همان، ۲۵۰). او ۸۱۴ نسخه قرآن را نیز در اختیار مسجد جامع ابن طولون گذاشت (همان، ۲۶۷). یکی از پادشاهان مغرب، قرآن قطوری را که بر استر حمل می‌شد، توسط ابوعبدالله محمد بن ابراهیم یقوری (متوفای ۷۰۷ق) به منظور وقف به مکه فرستاد که بدون تردید، محلی که او قصد داشت آن را وقف بر آن جا کند حرم مکه (یعنی مسجد الحرام) بود (مقری، بی‌تا: ۵۳/۲).

برخی از مشاهیر خودشان در نوشتن و استنساخ قرآن‌ها مشارکت داشته و آنها را وقف بر مساجد می‌کردند؛ از قبیل علی بن احمد، الناصر لدین الله فرزند حسن (متوفای ۶۱۲ق) که مکنی به ابوالحسن و ملقب به الملك العظیم (پادشاه بزرگ) و از فرزندان خلفای عباسی بود و به داشتن خط زیبا شهرت داشت. پیشوای قوم، ابوعلی حسین بن احمد خوافی ادیب که از بزرگ‌زادگان بود و سلطنت را رها نمود، نیز چندین قرآن را به دست خودش نوشت و آنها را وقف کرد (ابن فوطی، ۱۹۶۲م: ۹۰۷/۴).

همچنین فخرالدین ابوسعید مبارک بن یحیی بن مبارک بن مخرمی بغدادی (متوفای ۶۶۴ق) و صاحب دیوان، با دست خود چندین قرآن و چهارپاره (در عرف امروز، هر پاره یک جزء قرآن محسوب می‌شود که بدان سی پاره گویند. اما در جملات فوق‌الذکر احتمالاً مقصود از چهارپاره همان چهار حزب است که یک جزء قرآن را تشکیل می‌دهد) نوشت و آنها را وقف بر زیارت گاه‌ها کرد. او بر همین منوال عمل می‌کرد تا این که از دنیا رفت (همان، ۱۹۲-۱۹۳). شرف‌الدین محمد بن شریف بن یوسف بن وحید که خطاط و ادیب بود و در سال ۷۱۱ق وفات یافت، نیز قرآن را در هفت پاره و با مرکب زر که مقدار عمده‌ای گرد طلا در آن ریخته بود، نوشت و آن را وقف بر مسجدالحاکم در قاهره نمود (ابن شاکر کتبی، ۱۹۷۳م: ۳/۳۹۰).

از این گزارش‌ها روشن می‌شود که وقف قرآن کریم در تشکیل «کتابخانه‌های مساجد» چه نقش عمده‌ای داشته و قرآن‌ها شالوده کتابخانه‌های بزرگی را که از قرن دوم هجری به بعد در دوران درخشندگی نهضت علمی و زیاد شدن تألیفات در زمینه علوم مختلف، در مساجد بسیاری از بلاد اسلامی تأسیس شده بود، تشکیل می‌داد و عالمان، کتاب را وسیله‌ای برای درس و آموزش یافته بودند و شاید در طول سه قرن اول هجری، مساجد از کتاب‌هایی که در زمینه علوم قرآنی و حدیث تألیف شده بود، خالی نبوده است. هر چند اسنادی که مؤید این اظهارنظر باشد تاکنون به دست ما نرسیده است، ولی مسلماً قرن چهارم شاهد آغاز وقف کتب بر مساجد در سطح وسیع و گسترده بود (ساعاتی، ۱۳۷۴ش: ۶۹-۷۰).

عبدالله جبوری در مقاله‌ای ممتع در خصوص «وقف کتاب» می‌نویسد: «علاقه مسلمانان به دانش و دانشمندان و تشویق اسلام به فراگیری علم موجب شده تا فقها وقف اشیای منقول مانند کتب را جایز دانسته و آن را از اصل کلی در وقف استثنا کنند. اصل در وقف، همیشگی بودن آن است و جز در اموال غیرمنقول صحیح نیست؛ ولی فقها وقف منقول را از باب استحسان که از ادله فقهی معروف آنان است، جایز دانسته‌اند. از این رو، وقف کتب پدید آمد و مسلمانان و افراد خیر و نیکوکار به انگیزه خیرخواهی و سودرسانی به مردم، اقدام به وقف کتب کردند (جبوری، ۱۳۸۹ق: ص ۸).

در تاریخ اسلام، ظاهراً نخستین کتب وقفی را در کتابخانه عبدالحکم جمحی در قرن اول هجری در مکه مکرمه گزارش کرده‌اند (اصفهانی، ۱۳۲۳ق: ۵۱). البته در این گزارش، صراحتاً به وقف اشاره نشده و با اقدامات عبدالحکم نشان می‌دهد که به نوعی «وقف» پایبند بود، هر چند آن را با روش معمول در قرن چهارم هجری عملی نکرده است.

به رغم این که در منابع قدیمی مربوط به قرون اول تا سوم هجری از کتابخانه‌هایی خاص و اشخاصی که کتاب‌هایی را جمع‌آوری کرده‌اند، سخن به میان آمده است، ولی درباره این که چه کسی آنها را پس از درگذشت خود وقف کرده مطلب مفیدی ذکر نشده است. در قرن دوم هجری، یک نوع مؤسسه علمی به نام «بیت الحکمه» ظهور کرد و از میان بخش‌های مختلف آن، کتابخانه بیش از دیگر بخش‌های آن مورد توجه گروهی از خلفای عباسی قرار گرفت، هر چند مأمون بیش از دیگران به نظارت، پشتیبانی و توسعه همه بخش‌های بیت الحکمه اهمیت می‌داد. او علاوه بر اهمیت دادن

به کتاب‌های عربی تألیف شده توسط بزرگان، از علمای مناطق مختلف قلمرو خلافت عباسی، برای دستیابی به کتاب‌های فلسفی و غیرفلسفی، نمایندگانی را به کشور روم فرستاد. هر چند هدف از تأسیس بیت الحکمه، کمک به علما و پژوهشگران و فراهم آوردن منابع اطلاعاتی بیشتر و ایجاد تسهیلاتی برای علاقه‌مندان به کار تحقیق و مطالعه و تألیف و ترجمه بود، ولی به هر حال نمی‌توان چنین کتابخانه‌ای را جزو کتابخانه‌های وقفی به شمار آورد. زیرا ما به مدرک علمی روشنی در این مورد دست نیافته‌ایم.

دسترسی مردم به کتاب‌های علمی کمیاب و کتاب‌هایی که از زبان‌های مختلف به زبان عربی ترجمه شده بود، دشوار بود، لذا خلفا راه‌های تحقیق و مطالعه در بیت الحکمه را که به منظور نشر علوم و معارف منتقل شده از ملت‌های دیگر تأسیس شده بود، برای مردم هموار کردند (الدیوه‌جی، ۱۳۹۳ق: ۳۷-۳۸). این هدف بدون تردید به هدف کسانی که در مراحل بعد به طور آشکار در وقف کتاب و کتابخانه‌ها سهمیه بوده‌اند، نزدیک است. زیرا با درخشش کار تألیف و فعال شدن نهضت علمی معروف جهان اسلام در آن زمان و افزایش تعداد محققان حاکمان، وزراء، علما و ثروتمندان به اهمیت فراهم آوردن کتب برای بیشترین تعداد متقاضیان پی بردند و کتاب را یکی از وسایل انجام این کار نیک یافتند. این انگیزه و علاقه‌مندی آنان به اشاعه علم و غلبه بر مشکل دستیابی طلاب شهرها و مناطق مختلف به کتاب‌های موجود در سراسر جهان اسلام به پیدایش وقف در زمینه کتاب و کتابخانه‌ها منجر شد.

برخی از مردم، کتاب‌های‌شان را بر عموم مسلمانان وقف می‌کردند و کتاب‌های آنان [برای استفاده همگان] در گنجینه کتب مساجد قرار داده می‌شد. برخی وقف آنها را به مکان یا شهر معین اختصاص می‌دادند و می‌گفتند: این کتاب‌ها را بر فلان جا یا فلان شهر... وقف می‌کنیم و برخی دیگر استفاده از آنها را آزاد می‌گذاشتند. گاهی نیز وقف شرایطی را برای استفاده یا به امانت سپردن کتاب‌های وقفی وضع می‌کرد؛ چنان‌که قاضی ابن حیان خارج کردن کتاب‌ها را از کتابخانه ممنوع ساخت و برخی مانند ابن الخشاب کتاب‌های‌شان را بر اهل علم وقف کردند (حماده، ۱۳۹۸ق: ۱۷۲).

به تدریج انواع وقف، از قبیل وقف کتابخانه‌ها به طور کامل، وقف کتب در مدارس، مساجد، بیمارستان‌ها، رصدخانه‌ها، کاروانسراها و خانقاه‌ها به وجود آمد. در این میان، نوع دیگری از وقف نمودار شد و آن، وقف کتاب‌های یک عالم بر علما یا ورثه‌اش پس از درگذشت او بود. واقفین کتابخانه‌های مستقل یا کتابخانه‌های مدارس و مساجد، به افزایش درآمد اقتصادی ثابتی برای نگهداری و مرمت و پرداخت مخارج افرادی که در آنها کار می‌کردند، اهمیت می‌دادند و برخی از آنان درآمدهای را معین کرده بودند تا به رشد، توسعه و شکوفایی کتابخانه‌ها در گذر زمان کمک کند.

در اهمیت و نقش گسترده وقف، سعید دیوه‌جی می‌گوید: از قرن چهارم هجری به بعد، کتابخانه‌های وقفی در سراسر جهان اسلام رواج یافت؛ به درجه‌ای که کمتر شهری یافت می‌شد که خالی از «کتابخانه وقفی» باشد (همان، ۱۷۲). این

کتابخانه‌ها به دلیل کتاب‌های وقفی موجود در آنها بسیار مورد توجه طلاب واقع شدند و کتابخانه‌ها نیز در دستیابی به کتب جدید، به آنان کمک می‌کردند و فرصت‌هایی را برای آشنایی طالبان علم با افکار و اندیشه‌های مؤلفان سراسر جهان اسلام در اختیارشان قرار می‌دادند. تعداد این کتابخانه‌ها در اندلس به حدی رسیده بود که ابوحیان نحوی بر خریدار کتاب عیب می‌گرفت و می‌گفت: «خدا به تو عقل معاش دهد [چرا کتاب می‌خری؟!]. من هر کتابی را بخواهم از کتابخانه‌های وقفی به امانت می‌گیرم.» (مقری، بی‌تا: ۵۴۳/۲) برای مدلل ساختن افزایش تعداد کتابخانه‌های وقفی و گسترش آنها، یادآور می‌شویم که در قرن هفتم هجری، تنها در شهر مروشاهجان، ده گنجینه کتاب وقفی وجود داشته است (ساعاتی، ۱۳۷۴ش: ۳۳-۳۶).

کتابخانه‌های وقفی و کتاب‌های‌شان، علاوه بر کتابخانه‌های خصوصی نظیر کتابخانه‌های خلفاء، امیران، وزیران و دانشمندان پشتوانه انقلاب فکری و فرهنگی بودند که جهان اسلام در طول قرن‌های متمادی شاهد آن بوده است.

به هر روی، چون وقف اساساً استفاده‌ای دائمی را ایجاب می‌کند (در مورد تاریخچه و مقررات وقف مراجعه کنید به: شهابی، بی‌تا؛ بدر: ۱۹۲۴م؛ هفنینگ؛ بی‌تا) وقف کتابها به لحاظ ماهیت آنها مانند گم شدن، پاره شدن و خراب شدن قابل اجرا نیست. فقهای اسلامی ضمن تصدیق الزامی و مبرم بودن وقف کتاب، این نوع وقف را که نه تنها در اعمال و گفتار پیغمبر (ص) پایگاهی ندارد، بلکه خلاف اصل اساسی وقف است، نمی‌پذیرفتند. با این همه، سرانجام بیشتر آنان براساس اصل تعارف که «عبارتست از تفاهم و توافق عمومی در استفاده از چیزی و رعایت نحوه این استفاده براساس قراردادهای مربوط به روابط چه مدنی و چه مذهبی»، آن را قبول کردند. توجیه این اصل در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است: «چیزی را که مسلمانان مناسب تشخیص دهند، خداوند نیز با آن موافق است».

به این ترتیب، رسم رایج وقف متون قرآن از همان قرون آغازین اسلام شرعاً به وقف کتاب نیز کشیده شد. از سوی دیگر، رسم وقف کتابها که بعداً مرسوم شد، فقهای مسلمان را مجاز ساخت که با توجه به اصل تعارف، وقف کتابها را به عنوان یک اصل معتبر فقهی تصریح کنند. به این ترتیب، می‌توان با فراتر رفتن از استدلال فقها گفت که وقف کتاب در مؤسسات خیریه و یا آموزشی می‌تواند به عنوان وقف مشاع در نظر گرفته شود؛ یعنی وقفی که جزء مکمل مؤسسه است و وقفی که همه به اتفاق آرا آن را شرعی می‌دانند (العش، ۱۳۷۲ش: ۹۰-۹۱) و لذا جای شگفتی نیست که در کنار دارالعلم و مدارس، کتابخانه‌های عمومی وجود داشتند که در مساجد استقرار یافته بودند. از هنگامی که وقف کتاب از نظر فقها جایز شمرده شد، تمام کسانی که می‌خواستند کتاب‌های خود را هبه کنند و امکانی برای ایجاد ساختمان‌های خصوصی برای این کار نداشتند، به طور طبیعی به فکر افتادند، کتاب‌های خود را وقف مساجد کنند. به همین دلیل، کمی بعد از پیدایش دارالعلم است که ما کتاب‌های وقفی را در مساجد بزرگ می‌بینیم (همان، ۱۵۳).

با توجه به گزارش‌های تاریخی، نخستین کتابخانه وقفی در اسلام متعلق به دارالعلم موصل بوده و حتی برخی از محققان به استناد مدارک تاریخی، آن را نخستین دارالعلم در اسلام شمرده‌اند (الدیوه‌جی، ۱۹۸۲م، ۱۹۲/۱). حق تقدم در

تأسیس این کتابخانه با ابوالقاسم جعفر بن محمد بن حمدان موصلی، فقیه شافعی است. ابن حمدان در موصل از مقام و منزلتی قابل توجه برخوردار و در علوم می مانند فقه، نحو، کلام و جدل پیشتاز بود؛ او روابط خوبی با رجال عصر خود از قبیل وزرا، ادبا و شعرایی مانند «بحتری» و «میرد» و «ثعلب» داشت (یاقوت حموی، ۱۹۳۶م: ۱۹۱/۷-۱۹۲). به نظر می‌رسد که تنوع فعالیت‌های علمی و دانش‌دوستی، اخلاص و صداقت وی، او را به فکر ایجاد کتابخانه در شهر موصل انداخت تا امکاناتی برای کمک به مطالعه، تحقیق و پژوهش طلاب و محققان در آن فراهم آمده باشد و لابد ثروتش به اندازه‌ای بوده است که او را در اجرای چنین طرحی یاری کند.

یاقوت حموی به نقل از ابوعلی بن ابوالزمام به این مطلب اشاره کرده و می‌گوید: «ابن حمدان در میان صاحب منصبان موصل از موقعیت بسیار خوبی برخوردار بود. او با همه وزرای زمان خود، دوست و ستایش‌گر آنان بود و نزد آنان احترام داشت. ابن حمدون در شهر خویش کتابخانه‌ای داشت که گنجینه‌هایی از کتب را از همه علوم در آن قرار داده و بر طالبان علم وقف کرده بود. از ورود کسی به آنجا جلوگیری نمی‌شد، هر گاه شخص غریبی برای کسب دانش به آنجا می‌آمد، اگر تنگدست بود، یک ورق کاغذ و یک سکه به او می‌داد. این کتابخانه همه روزها باز بود و خود ابن حمدان پس از بازگشت از شترسواری در آن می‌نشست و مردم گردش جمع می‌شدند و او از اشعار و تألیفات خویش و دیگران برای آنان املا می‌کرد...» (همان، ۱۹۲)

تاریخ تأسیس این کتابخانه، در منابع موجود ذکر نشده است، ولی احتمال می‌رود بین اواخر قرن سوم هجری و اوایل قرن چهارم از سال ۲۴۰ تا ۳۲۳ هـ ق در دوران زندگی ابن حمدون ساخته شده باشد. اما کتاب‌های موجود در آن با توجه به تنوع فعالیت‌های خود او که طبق نقل منابع، به فقه و شعر و ادبیات و تاریخ و نجوم اهمیت می‌داد، شامل علوم مختلف بوده است (همان). از سرنوشت این کتابخانه وقفی اطلاعی در دست نیست؛ زیرا جمعی از مردم موصل به خاطر حسدورزی نسبت به دانش و مقام و موقعیت وی نزد خلفا و وزرا و علما، او را متهم به سخن‌چینی کردند. آنان بر ضد او اعلامیه نوشته و شهادت دادند که وی مرتکب اعمالی بسیار زشت شده است، لذا او را از موصل تبعید کردند. او به بغداد گریخت و پس از این رویداد، خبری از این کتابخانه که به موصل خدمت کرد و راه کسب و دانش و ادب را برای مردم آن هموار ساخت، به دست ما نرسید (همان).

### تاریخ کتابخانه‌های وقفی در ایران

در ایران نیز در متون تاریخی از کتابخانه‌های وقفی سخن به میان آمده که نشان می‌دهد وقف کتاب و کتابخانه از سابقه دیرینی برخوردار بوده است که در اینجا به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم.

از کتابخانه‌های وقفی ایران در گذشته، کتابخانه ری بوده است. یاقوت حموی می‌نویسد: «ملک نوح بن منصور سامانی، والی خراسان مخفیانه به صاحب بن عباد نامه نوشت و او را به همکاری با خود فراخواند و قول داد او را از حقوق و مزایای سالانه برخوردار سازد، ولی وی دعوت او را نپذیرفت و بهانه‌هایی آورد. یک بهانه‌اش این بود که به



اندازه چهارصد بار شتر یا بیشتر از کتاب‌های علمی نزد اوست.» (همان، ۲۵۹) سپس حاشیه‌ای را از ابوالحسن بیهقی نقل می‌کند که عین عبارت آن چنین است: «به اعتقاد من، دلیل بر وجود این کتابخانه در ری این است که من در آنجا به مطالعه می‌پرداختم و ده جلد از فهرست کتاب‌های آن را که سلطان محمود قبلاً آنها را سوزانده بود، مشاهده کردم. او چون وارد ری شد، به او گفتند: اینها کتاب‌های رافضی‌ها و بدعت‌گذاران است. دستور داد همه کتاب‌های کلامی را از میان آنها جدا کرده، کتابخانه را بسوزانند.» (همان)

تصریح به بیت‌الکتب ری اشاره به این است که آنجا یک کتابخانه وقفی عمومی بوده است؛ چنان‌که ارتباط دادن میان این کتابخانه و کتاب‌های صاحب بن عباد توسط بیهقی بر وقفی بودن آن دلالت می‌کند، زیرا محمد ماهر حماده اشاره کرده به این که صاحب بن عباد کتابخانه‌اش را وقف کرده و بعدها کتابخانه‌ای عمومی شد (حماده، ۱۳۹۸ق: ۱۲۸). البته او اشاره نکرده به این که این اطلاعات را از چه منبعی کسب کرده و شاید از متن معجم الادبای یاقوت حموی که بدان اشارت شد، استفاده کرده است. چنان‌چه بیت‌الکتب ری را کتابخانه‌ای وقفی و مؤسس آن را صاحب بن عباد بدانیم، تاریخ وقف آن سال ۳۸۵ ه. ق - سالی که او وفات یافت - خواهد بود (ساعاتی، ۱۳۷۴ش: ۴۳).

از دیگر کتابخانه‌های وقفی ایران، می‌توان از کتابخانه فیروزآباد یاد کرد. این کتابخانه را وزیر قوام‌الدوله عمادالدین ابومنصور عادل فرزند مافنه (متوفای ۴۳۳ق) تأسیس کرد. او از وزرای ملک بویه ابو کالیجار و مردی عفیف، فاضل، خوش‌آوازه و نیک سیرت بود (ابن جوزی، ۱۳۵۷ق: ۶۴/۸). یکی از مورخان اشاره کرده به این که از آثار بر جای مانده از او، «کتابخانه‌ای بود که نوزده هزار جلد کتاب داشت و او آن را بر طالبان علم وقف کرده بود و در میان کتب موجود در آن، کتاب ناشناخته‌ای وجود نداشت. در این کتابخانه چهارهزار برگه دست‌نوشته به خط بنی مقله موجود بود.» (همان) در منبع دیگری آمده است که او کتابخانه را در فیروزآباد بنا کرد و هفت هزار جلد کتاب در اختیار آن نهاد (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۵۰۲/۹). در سومین منبع، خبری در مورد آن ذکر شده که به این شرح است: «گنجینه کتابی که او در شهر فیروزآباد وقف کرده بود، هفت هزار جلد کتاب و چهارهزار برگه دست‌نوشته به خط ابوعلی و ابوعبدالله فرزندان مقله داشت.» (ابن کثیر دمشقی، ۱۹۷۷م: ۵۰/۱۲)

شهر فیروزآباد که این کتابخانه را «ابن مافنه» در آنجا وقف کرد، یکی از شهرهای کوچک استان فارس در نزدیکی شیراز است و این امر، تصویری از انتشار کتابخانه‌ها در شهرهای کوچک و بزرگ جهان اسلام در آن زمان، به ما ارائه می‌دهد. بدون تردید این کتابخانه به سبب در اختیار داشتن کتاب‌های نفیس و باارزش، نظر علما را در نقاط بسیاری به خود جلب کرده بود (ساعاتی، ۱۳۷۴ش: ۴۸).

کتابخانه قطب‌الدین همدانی نیز در ردیف کتابخانه‌های وقفی بود که آن را قطب‌الدین ابوالعلا حسن بن احمد بن حسن همدانی عطاره (متوفای ۵۶۹ق) که حافظ قرآن و محدث و یکی از علما و زهاد برجسته زمان خویش بود، در شهر همدان تأسیس کرده است. او همه کتاب‌هایی را که برای خود فراهم آورده بود، بر آن وقف کرد (ابن فوطی، ۱۹۶۲م:

۶۲۶/۴-۶۲۷). البته هنوز گزارشی به دست نیامده تا معلوم سازد که آیا این کتابخانه، ساختمانی مستقل داشته و یا جزیی از منزل وی بوده است. آنچه ترجیح دارد این است که کتابخانه، بخشی از منزل او را اشغال کرده بود. پس از آن که آن را وقف کرد، امکان ورود طلاب علم و مطالعه کنندگان به آنجا و استفاده از آن برای شان فراهم شد (ساعاتی، ۱۳۷۴: ۵۳). از دیگر کتابخانه‌های وقفی در ایران، کتابخانه مبارکشاه در مرورود است و گویند که فخرالدین ابوسعید مبارکشاه، فرزند حسین مروزی (متوفای ۶۰۲ق)، «خانه خوبی در باغی زیبا داشت و در آن، گنجینه‌ای از کتب مربوط به علوم مختلف را قرار داده بود. او در خانه‌اش همه وسایل مورد نیاز همنشین خود را از قبیل نرد، شطرنج و انواع خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها قرار داده بود.» (ابن فوطی، ۱۹۶۲م، ۳/۲۹۰-۲۹۱) این کتابخانه ما را به یاد نخستین کتابخانه تأسیس شده در اسلام می‌اندازد و آن، کتابخانه‌ای بود که عبدالحکم جمعی در قرن اول هجری آن را در مکه مکرمه تأسیس کرد.

در کشور ایران اسلامی همچنان که اشاره شد، کتابخانه‌های وقفی از قرن چهارم و پنجم هجری شکل می‌یابد که می‌توان از کتابخانه‌های وقفی مسجد جامع نیشابور، مسجد جامع ساوه، مسجد جامع آمد، مسجد جامع میافارقین، مسجد جامع اصفهان، مسجد عقیل نیشابور، مسجد جامع گواشیر (کرمان)، مسجد جامع مرو (عزیزیه، کمالیه)، مسجد جامع تبریز، مسجد ظهیریه تبریز، مسجد سپه سالار قدیم، مسجد اقصی (تهران)، مسجد دروازه دولت (تهران)، مسجد اعظم قم، مسجد مروی، مسجد جامع یزد (کتابخانه وزیری) و مسجد صادقیه رشت یاد کرد (کریمیان سردشتی، ۱۳۷۸: ۶۱-۱۶۸) که در این میان، کتابخانه وقفی مسجد جامع نیشابور از همه قدیمی‌تر است.

یاقوت حموی در معجم الادباء (یاقوت حموی، ۱۹۳۶م: ۳/۲۲۴-۲۲۵) گزارشی دارد که با کتابخانه وقفی مسجد جامع نیشابور ارتباط وجود دارد و آن این است که: «در مدرسه بیهقیه نیشابور که تاریخ تأسیس آن تقریباً به قرن چهارم هجری بازمی‌گردد و ویژه علم حدیث بود، یک کتابخانه وقفی وجود داشت و احمد بن عبدالملک ابوصالح مؤذن نیشابوری (۳۸۸-۴۷۰ق) در آن کار می‌کرد. او مسئول حفظ و نگهداری از کتاب‌های حدیثی گرد آمده در گنجینه کتبی بود که میراث استادان بزرگ بود و بر علمای حدیث وقف شده بود. او موقوفات محدثان را از قبیل مرکب و کاغذ و غیره در اختیار داشت و آنها را میان آنان توزیع و به آنان می‌رساند. علاوه بر این، سالیانی قریب‌الی‌الله بر مناره مدرسه بیهقیه اذان می‌گفت.» از این متن به دست می‌آید که کتاب‌ها در مدرسه‌ای که ضمیمه مسجد بود، نگهداری می‌شده است نه در یک مدرسه مستقل. کار ابوصالح در این مدرسه، در درجه اول به منزله امانت‌داری کتابخانه بود و گمان می‌رود که بین این مدرسه و مسجد جامع نیشابور ارتباط وجود دارد و در نتیجه می‌توان گفت که کتابخانه مدرسه بیهقیه، همان کتابخانه‌ای است که در آن مسجد بود (ساعاتی، ۱۳۷۴م: ۸۱).

در مورد وضعیت مالی کتابخانه‌های مساجد ایران (و سایر کتابخانه‌ها) باید گفت که بیشتر اعتبارات آن از طریق وقف‌ها تأمین می‌گردید و معمولاً در «وقف‌نامه‌ها» به هزینه‌های گوناگون از جمله هزینه خرید کتاب‌های جدید، حقوق کتابدار، مرمت و صحافی کتاب، خرید کاغذ جهت استنساخ، خرید مرکب و قلم و فرش و پرده و تعمیر ساختمان

کتابخانه به تفصیل اشارت شده که فهرستی از هزینه‌های کتابخانه در وقف‌نامه‌ها ثبت و ضبط شده است.

## نتیجه‌گیری

از این جستار می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

۱. مساجد به عنوان یکی از مهمترین و برجسته‌ترین مراکز عبادی-آموزشی دین اسلام، از موجبات پدید آمدن کتابخانه‌های وقفی بوده است.
۲. رواج و گسترش کتابخانه‌های وقفی از اوایل صدر اسلام بر مبنای وقف قرآن‌ها بر مساجد صورت گرفته است و نقش وقف قرآن بر مساجد در تقویت کتابخانه‌ها، نقشی چشمگیر و اساسی تلقی می‌شود.
۳. خلفا، امیران و وزیران و دانشمندان، پشتوانه خوبی برای گسترش و ایجاد کتابخانه‌های وقفی در جهان اسلام بوده‌اند.
۴. ایران، سابقه درخشانی در داشتن و تأسیس کتابخانه‌های وقفی داشته است که در این مقاله، به نمونه‌های برجسته‌ای همچون کتابخانه‌های ری، فیروزآباد، قطب‌الدین همدانی، مبارکشاه (مرورود)، جامع نیشابور اشاره شده است.
۵. کتابخانه‌های وقفی به عنوان یک عنصر دینی و فرهنگی در حفظ، نگهداری، گسترش و تقویت فرهنگ کتابخانه‌ها در طول تاریخ تمدن اسلام نقش چشمگیری داشته‌اند.

## کتابنامه

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، جلد ۹، بیروت، دارصادر و داربیروت، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، جلد ۸، حیدرآباد دکن، دایرةالمعارف العثمانیة، ۱۳۵۹-۱۳۵۷ق.
۳. ابن شاکر کتبی، فوات الوفيات، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارصادر و داربیروت، ۱۹۷۳م.
۴. ابن فوطی، کمال‌الدین، تلخیص مجمع الآداب فی معجم الالقاب، تحقیق مصطفی جواد، دمشق، وزارةالثقافة و الارشاد القومي، ۱۹۶۲م.
۵. ابن کثیر دمشقی، عمادالدین، البدایة و النهایة، جلد ۱۲، بیروت، ۱۹۷۷م.
۶. اصفهانی، ابوالفرج، کتاب الآغانی، به تصحیح احمد شنقیطی، قاهره، مطبعة التقدم، ۱۳۲۳ق.
۷. اصفهانی، ابوالفرج، گزیده الآغانی، ترجمه محمد حسین مشایخی فریدنی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ش.
۸. بدر، شکری، مؤسسه اموال مشهور به «حبس» یا «وقف» در فقه اسلامی، پاریس، ساگو، ۱۹۲۴م.
۹. جبوری، عبدالله، مکتبه الاوقاف العامّة، تاریخها و نوادر مخطوطاتها، مجله الرسالة الاسلامیة (مطبعة المعارف)، بغداد، ۱۳۸۹ق.

۱۰. حماده، محمد ماهر، المكتبات في الاسلام: نشأتها و تطورها و مصائرها؛ بيروت، مؤسسه الرسالته، ۱۳۹۸ق.
۱۱. الديوه جي، سعيد، الترييه و التعليم في الاسلام، موصل، جامعه الموصل، ۱۴۰۲ق.
۱۲. الديوه جي، سعيد، بيت الحكمة، موصل، مؤسسه دارالكتب للطباعه و النشر، ۱۳۹۳ق.
۱۳. الديوه جي، سعيد، تاريخ الموصل، جلد اول، موصل، جامعه الموصل، ۱۹۸۲م.
۱۴. ساعاتي، يحيى محمود، وقف و ساختار كتابخانه‌هاى اسلامى، ترجمه احمد اميرى شادمهرى، مشهد، بنياد پژوهش‌هاى اسلامى، ۱۳۷۴ش.
۱۵. ساعاتي، يحيى محمود، وقف و گسترش كتابخانه‌ها در جهان اسلام، ترجمه حسين صابري، مشهد، بنياد پژوهش‌هاى اسلامى، ۱۳۸۷ش.
۱۶. شهابي، تاريخچه وقف در اسلام، شهابي، چاپ تهران، بي تا.
۱۷. العش، يوسف، كتابخانه‌هاى عمومى و نيمه عمومى عربى در قرون وسطى، ترجمه اسدالله علوى، مشهد، آستان قدس رضوى، ۱۳۷۲ش.
۱۸. كريميان سردشتى، نادر، تاريخ كتابخانه‌هاى مساجد ايران؛ تهران، كتابخانه و موزه مجلس شوراى اسلامى، ۱۳۷۸ش.
۱۹. مقرى، احمد، نفع الطيب من غصن الاندلس الرطيب، (جلد دوم)، بيروت، بي تا.
۲۰. مقريزى، تقى الدين احمد بن على، الخطط و الآثار؛ المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، جلد دوم، چاپ بولاق، مطبعه نيل، ۱۳۲۴ق.
۲۱. مكى سباعى، محمد، تاريخ كتابخانه‌هاى مساجد، ترجمه محمد عباس پور و محمدجواد مهدوى، تهران، آستان قدس رضوى، ۱۳۷۳ش.
۲۲. هفنينگ، كوتا، «روش وقف در مصر»: مقاله وقف در دايره المعارف اسلام، بي تا.
۲۳. ياقوت حموى، شهاب الدين، معجم الادباء يا الارشاد الاريب، به اهتمام و تصحيح مارگليو، قاهره، دارالمأمون، ۱۹۳۶م.

وكتبه سماه عليه السلام في يوم من الأيام

# كتاب أسانيد الأئمة

## للعلامة الخجيري

عفي الله عنه

مكتبة  
 دار  
 الكتب  
 ٥٨٠٨

وكتبه سماه عليه السلام في يوم من الأيام  
 في كتاب أسانيد الأئمة  
 للعلامة الخجيري  
 عفي الله عنه

لوحة شماره ١

يحيى ساعاتى، الوقف و بنية المكتبة العربية



كتاب  
 الميزان الشعراية تأليف الفطيل النما  
 والمبتذل القمد انجي سيد عبيد الوها  
 الشعرا انجي تعمد الله برحمته واسكنه  
 في جنه واغاد علينا من بركاته  
 في الدين والدينكا  
 والاخوة  
 العيون  
 هذا القسط هذا انما هو اللطيف  
 الذي في الذي يكون ناظر عليه من  
 وقاهه باعلا ظهره من ينظر اليه  
 السلام والصلاة على المظلل  
 بالعام

لوحة شماره ٢ «ب»

يحيى ساعاتي، الوقف و بنية المكتبة العربية







النصف الثاني من صحيح مسلم  
 بن الحجاج القشيري  
 النيسابوري رحمه الله  
 ونفعنا به  
 آمين

في بيتنا في بغداد  
 انوار بن يعقوب  
 في شهر ربيع الثاني  
 سنة ١٠٤١

احمد بن محمد  
 حضر الى الجبل الشرقي بمكة في سنة الف وستمائة من شهر المحرم عام السادس  
 والاربعين بعد المائة من الائمة الشريفة محمد بن الشيخ علي الفارسي ووقف كتابه  
 هدي على طلبة العلم بالهداية من ينفع به من المسلمين وجعل يتقوسه  
 وله لنا ظهروا والسيد احمد البخاري بمكة في سنة الف وستمائة من شهر المحرم  
 بجمع المذكور ثم في ثاني يوم من محرم بجمع في وقت من وقتنا في الف وستمائة  
 لواء القام الشرقي في وقت من وقتنا في الف وستمائة واما الواجب عليه فاعلم  
 من الهدى في الف وستمائة ثم انتم في الف وستمائة واما غير ذلك فاعلم من



لوحة شماره ١٠

يحيى ساعاتي، الوقف و بنية المكتبة العربية

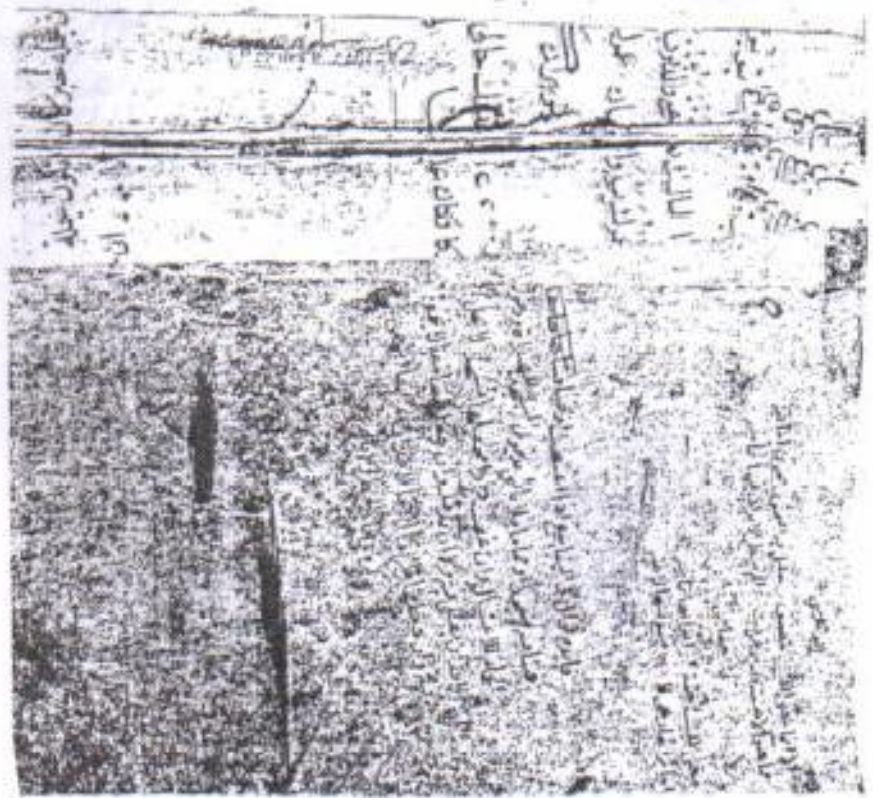




لوحة شماره ١١

يحيى ساعاتى، الوقف و بنية المكتبة العربية

قد وقف وابهر خلاصنا  
 لكنا رب على المستخفين  
 من طابنا على لوم العبد  
 الضعيف يوسف بن الحاج  
 علي الشهير بالفاشوخ  
 عن عني  
 ابنه



لوحة شماره ١٨

يحيى ساعاتى، الوقف و بنية المكتبة العربية



عنه لكونه مشغولاً عنه يصحح محسن حينئذ تم اضا السطر  
قبله ثم ان المضمرا ان يكون عين المظهر نحو ما ذكرنا او  
فعلاً في معناه نحو زيداً مررت به اي جرته ولا يبعث اضا  
مررت لانه لا ينصب المفعول واما ما هو لازم

معناه نحو زيداً ضربت غلامه اي اخذت  
زيداً ضربت غلامه لان اهانة الكو  
من لوازم ضرب الغلام وهذا  
باب الاطناب فيه مجال  
لكنه يعنى الي المان فاقتر  
عليه هذا التقدير وليس  
الروي عن التشافي



تمه  
قد وقع النزاع من هذه النسب الشرعية المباركة  
الميمونة عن يد العبد الضعيف الفقير الحقير  
المحتاج الي رحمة الله تعالى محمود بن بروان  
بن علي غفر الله له ولوالديه ولا يتجاوز  
ولي الخوئين والمؤمنين والمؤمنات والمسلمين  
والمسلمات اجمعين بوجه كذا اللهم  
الواحد

مكتبة السيد محمد باقر  
بن الحسين بن علي بن ابي طالب  
عنه السلام  
في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٥

لوحة شماره ٢٢

يحيى ساعاتى، الوقف و بنية المكتبة العربية

الخط

يا مولاي يا واحد يا مولاي يا دائم يا مجلي يا حكيم

### كتاب فتحات الصفايا لسؤل

لشرح اصول فقدمات الأصول

تأليف الشيخ الإمام العالم

العلامة برهان الدين

أبراهيم بن محمود بن

أحمد الاقصر الكوفي

الساذق الموالي

تفصلاً لله تبارك

الداق

امين

امين

الم

الكبرى

وقفت على اسناد الرواة نور محمد بن وفا

بلغت اسد مقاصد على طلبة العلم وجعل مقصده

بزاوية السلام من الرضا فنفعنا الله بهم

وشرط ان لا يخرج منه شئ الا لثقة او من سلك

من الشافعية ان يدعوا ولو ادرسه جميع مجيب وعلى

الله على نبيه العظيم وعلى اله وصحبه وسلم

تسرة عليه العبد المذنب

عبد الله



لوحة شماره ٢٩

يحيى ساعاتى، الوقف و بنية المكتبة العربية